



سلام



بهترین کانال های

تلگرام در اسلاید

های بعدی

کانال تلگرامی پایه

هفت ۷ م

↓ جهت عضویت ، لینک زیر را لمس کنید ↓

@HAFTOM

↑ همین الان روی لینک بزن و جوین شو ↑

کانال بدون تبلیغات آزار دهنده است

کانال تلگرامی پایه

هشتادم

↓ جهت عضویت ، لینک زیر را لمس کنید ↓

@HASHTOMIYYY

↑ همین الان روی لینک بزن و جوین شو ↑

کانال بدون تبلیغات آزار دهنده است

کانال تلگرامی پایه

نروم

↓ جهت عضویت ، لینک زیر را لمس کنید ↓

@NOHOMIYY

↑ همین الان روی لینک بزن و جوین شو ↑

کانال بدون تبلیغات آزار دهنده است

کانال تلگرامی

پایه دهم

✘ بدون تبلیغات آزار دهنده و کذب ✘

👉 جهت عضویت روی لینک کلیک کن 👈

@DAHOM\_CH

▲ همین الان کلیک کن و عضو شو ▲

کانال تلگرامی پایه

پازدها 11م

↓ جهت عضویت ، لینک زیر را لمس کنید ↓

@YAZDAHO

↑ همین الان روی لینک بزن و جوین شو ↑

کانال بدون تبلیغات آزار دهنده است

کانال تلگرامی پایه

دوازدهم 12م

↓ جهت عضویت ، لینک زیر را لمس کنید ↓

@davazdahom\_1401

↑ همین اول روی لینک @DAHOM\_CH بزن و جوین شو ↑

کانال بدون تبلیغات آزار دهنده است

# جزوه قواعد عربی (متوسطه دوم)

پایه نهم

تهیه و تنظیم: یحیی آقازاده

دبیر دبیرستان تیزهوشان شهید رجایی و نمونه دولتی شیخ کلینی

اسلام شهر

سال تحصیلی 1401-1402



# فہرست

7 - 3..... یادآوری ( درس اول )

13 - 8..... مبحث اعداد در عربی ( درس دوم )

14-20..... ثلاثی مزید ( درس سوم وچهارم )

25- 21..... جملہ اسمیہ وجملہ فعلیہ ( درس پنجم )

27- 26..... فعل مجهول ( درس ششم )

29- 28..... جارومجرور \* ن وقایہ ( درس ہفتم )

31- 30..... اسم فاعل \* اسم مفعول \* اسم مبالغہ ( درس ہشتم )

## انواع اسم

نوع اسم	علامت	مثال
مفرد مذکر	-----	المومن
مثنی مذکر	ان، ین	المومنان، المومنین
جمع مذکر	ون، ین	المومنون، المومنین
مفرد مؤنث	ه، ه	المومنه
مثنی مؤنث	تان، تین	المومتان، المومتین
جمع مؤنث	ات	المومنات
جمع مکسر	بی قاعده	کتب = (کتاب)

## اسم اشاره

اسم	اسم اشاره نزدیک (للقریب) مذکر	اسم اشاره نزدیک (للقریب) مؤنث	اسم اشاره دور (للبعید) مذکر	اسم اشاره دور (للبعید) مؤنث
مفرد	هذا (این)	هذه (این)	ذلك (آن)	تلك (آن)
مثنی	هذان؛ هذین (این دو)	هاتان؛ هاتین (این دو)	-----	-----
جمع	هؤلاء (اینها)	هؤلاء (اینها)	اولئک (آنها)	اولئک (آنها)

\*\*\* نکته مهم ترجمه:

اگر پس از اسم های اشاره اسم « **ال** » دار بیاید اسم اشاره اگر مفرد و چه مثنی و چه جمع باشد بصورت مفرد ترجمه شود: هؤلاء (این) المعلمون (معلم ها) ناجحون (موفق هستند) \* هؤلاء المعلمون ناجحون

ولی اگر بعد از اسم های اشاره اسم بدون « **ال** » بیاید اسم اشاره به صورت صیغه خود ترجمه می شود: اولئک (آنها) طلاب (دانش آموز هستند)، هذان (این دو) التلمیذان (دو دانش آموز) مودبان (مودب هستند)

\* اولئک طلاب. \* هذان التلمیذان مودبان.

## کلمات پرسشی

أ، أين، كم، متى، كيف، ما      مَنْ، أَيُّ، هَلْ، لماذا، ماذا

أ - هل؟ آیا	مَنْ؟ چه کسی - چه کسانی	كيف؟ چگونه
مَنْ هُوَ (هی)؟ کیست	لِمَنْ؟ برای کیست - مال چه کسی است	لماذا؟ برای چه - چرا
أَيُّ؟ کدام	مَا؟ چیست - چه چیزی	لِمَ؟ مخفّف (لماذا) = برای چه
ما هو (هی)؟ چیست	أَيْنَ؟ کجا	ماذا؟ چه
مِنْ أَيْنَ؟ از کجا؟ اهل کجا	كَمْ؟ چقدر؟ چند	متى؟ چه وقت - کی

## فعل ماضی

فعلی است که در زمان گذشته انجام شده و دارای ۱۴ صیغه است: کَتَبَ، خَرَجُوا  
نکته: فعل ماضی با حروف اصلی شروع میشود و هیچ حرف زائدی قبل از حروف اصلی فعل ماضی نمی آید.

نکته: فعل ماضی با حرف « ما » منفی می شود

نکته مهم: فعل های صیغه های غایب هرگاه در اول جمله قرار بگیرند بصورت مفرد می آیند  
اگر چه فاعل مثنی یا جمع باشد.

ذهب الطالب	ذهب الطالب
ذهب الطالبان	ذهب الطالبان
ذهب الطلاب	ذهب الطالبات

## فعل مضارع

فعلی است که در زمان حال انجام می شود و دارای ۱۴ صیغه است: یکتَبُ، تذهبون

نکته: فعل مضارع با حروف زائد ( ا ت ی ن ) آغاز میشود و باید دقت کرد این حروف غیر از حروف اصلی باشد

فعل های ( اخذ، نصر، تعب ) فعل ماضی هستند نه مضارع

## فعل مستقبل

حرف «س» یا «سوف» قبل از فعل مضارع ساخته می شود: هو سیکتبُ = او خواهد نوشت

نکته: «س» = آینده نزدیک = سیکتبُ = خواهد نوشت (بزودی) «سوف» = آینده دور = سوف یکتب = خواهد نوشت (دور)

نکته مهم: آینده منفی (لن + مضارع) سأذهبُ = خواهیم رفت ← لن أذهبُ = نخواهیم رفت

## نکات مهم فعل مضارع

فعل مضارع بر زمان حال و آینده دلالت می کند. فرق ماضی و مضارع در عربی فعل ماضی با حروف اصلی شروع می شود مثل خرجتم ولی فعل مضارع با چهار حرف «تین» شروع می شود به شرطی که این حروف جزء حروف اصلی فعل نباشند. مثل اخرج (مضارع 13) اخذ (ماضی 1)

\* تفاوت ترجمه فعل ماضی و مضارع در این است که فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت می کند. مثل ذهب = رفت اما مضارع بر زمان حال دلالت می کند مثل نکتب = می نویسیم.

\* از فعل مضارع: فعل امر و فعل نهی و مستقبل ساخته می شود. \* صیغه های 4-7 تذهب مشترکند و همچنین.

\* صیغه های 5-8-11 تذهبان مشترکند که باید از سیاق جمله ضمیر و .... می توان به شماره صیغه پی برد.

شماره	نوع صیغه	ضمیر منفصل	ضمیر متصل	ترجمه	فعل ماضی	ترجمه	فعل مضارع	ترجمه
1	للتائب	هو	ه	او	ذهب	رفت	يذهبُ	می رود
2	للتائبان	هما	هما	آنها	ذهبا	رفتند	يذهبانِ	می روند
3	للتائبون	هم	هم	آنها	ذهبوا	رفتند	يذهبونَ	می روند
4	للتائبه	هي	ها	او	ذهبت	رفت	تذهبُ	می رود
5	للتائبتان	هما	هما	آنها	ذهبتا	رفتند	تذهبانِ	می روند
6	للتائبات	هن	هن	آنها	ذهبن	رفتند	يذهبنَ	می روند
7	للمخاطب	انت	ك	تو	ذهبتَ	رفتی	تذهبُ	می روی
8	للمخاطبان	انتما	كما	شما	ذهبتما	رفتید	تذهبانِ	می روید
9	للمخاطبون	انتم	كم	شما	ذهبتم	رفتید	تذهبونَ	می روید
10	للمخاطبه	انتِ	كِ	تو	ذهبتِ	رفتی	تذهبينَ	می روی
11	للمخاطبتان	انتما	كما	شما	ذهبتما	رفتید	تذهبانِ	می روید
12	للمخاطبات	انتنَّ	كنَّ	شما	ذهبتنَّ	رفتید	تذهبنَ	می روید
13	للمتكلم وحده	انا	ي	من	ذهبتُ	رفتم	أذهبُ	ی روم
14	للمتكلم مع الغير	نحن	نا	ما	ذهبنا	رفتیم	نذهبُ	می رویم

## ترکیب وصفی و ترکیب اضافی

هرگاه دو اسم به صورت ترکیب در کنار هم بیایند یا ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) و یا ترکیب وصفی (موصوف و صفت)

ترکیب اضافی نکته 1- مضاف هیچ گاه ال و تنوین َ ِ ً نمی گیرد.

بابُ المدرسَة

1- اولی بدون ال + دومی ال دار معلم المدرسَة

اغلب ترکیب اضافی به دو شکل

2- اسم + ضمیر متصل رَبِّي

**ترکیب وصفی** دو اسمی که کنار هم قرار می گیرند که اسم دوم اسم اول را توصیف می کند و یکی از ویژگی های اسم اول را بیان می کند.

صفت در 4 مورد از موصوف خود تبعیت می کند.

1- جنس (مذکر و مؤنث بودن) التلميذ الناجح

2- تعداد (مفرد-مثنی-جمع) شجرتین باسقتین

3- داشتن یا نداشتن ال و تنوین طالبٌ مجتهدٌ

4- اعراب (حرکت آخر) اللاعبين فائزون

ویژگی غالب ترکیب وصفی 1- ال دار + ال دار (الكتاب المفيد)

2- تنوین دار + تنوین دار (كتاباً مفيداً)

## ترکیب در ترکیب

در زبان فارسی برای نوشتن یک ترکیب اضافی به همراه ترکیب وصفی ابتدا صفت را آورده و بعد از آن مضاف الیه را می آوریم، ولی در زبان عربی دقیقاً برعکس است. یعنی ابتدا مضاف الیه و سپس صفت را می آوریم حتی اگر چند مضاف الیه داشته باشیم.

مزرعه بزرگ ما  
صفت مضاف الیه

مزرعتنا الكبيرة  
صفت مضاف الیه

تیم برنده ما  
صفت مضاف الیه

فريقنا الفائز  
صفت مضاف الیه

نکته مهم: اسم های مثنی و جمع مذکر هنگام اضافه شدن نونشان حذف می گردد.

معلمون + المدرسة معلمو المدرسة  
مضاف مضاف الیه

والدين + والديه  
مضاف مضاف الیه

نکته: همانطور که قبلاً در قسمت اسم گفته شد بهتر است برای جمع های مکسر و مونث سالم غیر عاقل از متعلقات مفرد مونث استفاده کنیم پس بهتر است برای این دسته از اسم ها از صفت مفرد مونث استفاده کنیم.

الاشجار الباسقة  
صفت

الكتب المفيدة  
صفت

مضاف الیه مالک مضاف است

## مبحث اعداد

## 1) اعداد اصلی :

مذکر	واحد	إِثْنَانِ	ثَلَاثَ	أَرْبَعَ	خَمْسَ	سِتَّ	سَعَ	ثَمَانِي	تِسْعَ	عَشَرَ	أَحَدَ عَشَرَ	إِثْنَا عَشَرَ
مؤنث	واحدة	إِثْنَانِ	ثَلَاثَةٌ	أَرْبَعَةٌ	خَمْسَةٌ	سِتَّةٌ	سَبْعَةٌ	ثَمَانِيَةٌ	تِسْعَةٌ	عَشْرَةٌ	أَحَدَى عَشْرَةَ	إِثْنَتَا عَشْرَةَ
ترجمه	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده	دوازده

## 2) اعداد ترتیبی :

مذکر	الأوّل	الثاني	الثالث	الرّابع	الخامس	السادس	السّابع	الثّامن	التّاسع	العاشر	الحادي عشر	الثاني عشر
مؤنث	الأولى	الثانية	الثالثة	الرّابعة	خمس	السادسة	السّابعة	الثّامنة	التّاسعة	العاشرة	الحادية عشر	الثانية عشر
ترجمه	اوّل	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم

## روز های هفته :

السَّبْت : شنبه - الأَحَد : یکشنبه - الإِثْنَيْنِ : دوشنبه - الثُّلَاثَاء : سه شنبه - الأَرْبَعَاء : چهارشنبه  
الخَمِيس : پنجشنبه - الجُمُعَة : جمعه

## فصل های سال :

1 - الرّبيع : بهار 2 - الصّيف : تابستان 3 - الخريف : پاییز 4 - الشّتاء : زمستان

## رنگ های اصلی :

1 - أبيض : سفید 2 - أسود : سیاه 3 - أخضر : سبز 4 - أصفر : زرد 5 - أزرق : آبی

**ساعت :** در زبان عربی برای پرسیدن ساعت از سوال « كم السّاعة ؟ » استفاده می کنیم و در پاسخ به

آن اعداد ترتیبی را به کار می بریم .

الواحدة: (1:00) – الثانية: (2:00) – الثالثة: (3:00) – الرابعة: (4:00) – الخامسة: (5:00)  
 السادسة: (6:00) – السابعة: (7:00) – الثامنة: (8:00) – التاسعة: (9:00) – العاشرة: (10:00)

که می توانیم به انتهای آنها کلمه ی « تماماً » اضافه کنیم .

مثال : كم السَّاعَةُ ؟ السَّادِسَةُ تماماً : ساعت چند است ؟ ساعت شش است .

كم السَّاعَةُ ؟ الثَّالِثَةُ تماماً : ساعت چند است ؟ ساعت سه است .

\* و برای بیان « 15 دقیقه – 30 دقیقه – 45 دقیقه » به ترتیب از کلمات « الرَّبْع – النِّصْف – اِلْتَرُبْعاً » استفاده می کنیم . مثال :

– كم السَّاعَةُ ؟ التَّاسِعَةُ الرَّبْعُ : ساعت چند است ؟ ساعت نه و ربع است . ( 9:15 )

– كم السَّاعَةُ ؟ العَاشِرَةُ النِّصْفُ : ساعت چند است ؟ ساعت ده و نیم است . ( 10:30 )

– كم السَّاعَةُ ؟ الخَامِسَةُ اِلْتَرُبْعاً : ساعت چند است ؟ ساعت یک ربع به پنج است . ( 4:45 )

در زبان عربی اعداد به دو گروه « اصلی و ترتیبی » تقسیم می شوند .

\* اعداد اصلی : بیانگر تعداد هستند ؛ مثال : یک – دو – سه – چهار و ...

\* اعداد ترتیبی : نشان دهنده ی رتبه و جایگاه بوده که در زبان فارسی با پسوند « ... مِ » یا « ... مینِ »

به کار می رود . مثال : یَکُم – دوُم – سوُم و ... یکمین – دومین – سومین و ... اعداد ترتیبی بر وزن

الفاعلِ ، برای مذکر « و الفاعِلَةُ ، برای مؤنث » می آید ؛ الدَّرْسُ السَّادِسُ / الصَّفْحَةُ الثَّالِثَةُ / الإِمَامُ الثَّامِنُ

\* به اسمی که مورد شمارش قرار مَبْ گیرد « معدود » گفته می شود ؛

– سَيَّارَةٌ وَاحِدَةٌ [ سَيَّارَةٌ ؛ معدود ] : یک ماشین

– ثَلَاثَةٌ كُتُبٌ [ كُتُبٌ ؛ معدود ] : سه کتاب

– أَحَدٌ عَشَرَ كَوَكَبًا : [ كَوَكَبًا ؛ معدود ] : یازده ستاره



## نکته مهم عدد نویسی در عربی

برای خواندن و نوشتن اعداد در زبان عربی همانند زبان فارسی عمل می کنیم فقط با این تفاوت که جای یکان و دهگان عوض همیشه

مثال اشتریت<sup>۲</sup> (27) سبعة وعشرين مترا من القماش

فی المدرسة (125) مئة وخمسة وعشرون تلميذا .

عندی (100000) مئة الف ريال )

فی المكتبة ( 3706 ) ثلاثة آلاف وسبعمئة وستة كتب

اکنون به نکات کلیدی پیرامون اعداد توجه کنید :

1) اعداد 1-2 : اعداد 1 ( واحد - واحدَة ) و 2 ( اثنان - اثنین / اثنان - اثنین ) :

برای معدود خود « صفت » محسوب می شود ، یعنی عدد بعد از معدود خود می آید .

( یعنی در تمام موارد از جمله جنس و تعداد و داشتن یا نداشتن « ال » و حرکات از معدود خود تبعیت می کند ) مثال :

1) جاء رجلٌ واحدٌ . 2) شاهدتُ سيارَةً واحدَةً . 3) قرأتُ كتابينِ اثنین .

2) « اعداد 3 تا 10 » : ( ثلاثة - أربعه - خمسة - ستة - سبعة - ثمانية - تسعة - عشرة )

معدود اعداد 3 تا 10 همواره به صورت « جمع و مجرور » می آید و عدد از نظر جنس « برعکس » مفرد معدود « خود می باشد .

( یعنی اگر مفرد معدودشان « مذکر » باشد ، عدد به صورت « مؤنث » می آید و اگر معدودشان « مؤنث »

باشد ، عدد به صورت « مذکر » می آید ) مثال :

هفت کتاب دارم ← لی سبعة کُتُب [ مفرد « الكُتُب » ، « کتاب » می باشد پس مذکر است و باید عدد

را به صورت مؤنث بیاوریم . ]

شش درخت ← سِتَّ شَجَرَاتٍ [ مفرد « شَجَرَةٌ » ، « شَجَرَةٌ » می باشد و مؤنث است پس باید عدد را به صورت مذکر بیاوریم . ]

**نکته:** لازم به ذکر است که محل اعرابی این اعداد ( نقش این اعداد ) با توجه به جایگاهی است که در جمله قرار گرفته اند . مثال :

پنج کتاب را از کتابخانه خریدم : اِشْتَرَيْتُ خَمْسَةَ كُتُبٍ مِنَ الْمَكْتَبَةِ . ( خَمْسَةٌ : مفعول )

**( 3 ) اعداد 11 و 12 :** ( أَحَدٌ عَشَرَ - إِحْدَى عَشْرَةَ // اِثْنَا عَشَرَ - اِثْنَى عَشَرَ - اِثْنَا عَشْرَةَ - اِثْنَتَى عَشْرَةَ )

از نظر جنس و تعداد با معدود خود تبعیت می کند و معدودشان همواره « مفرد و منصوب » می آید .

مثال : - یازده ستاره ← أَحَدٌ عَشَرَ كَوْكَبًا - یازده ماشین ← إِحْدَى عَشْرَةَ سَيَّارَةً

- دوازده دانش آموز ← اِثْنَا / اِثْنَى عَشَرَ تَلْمِيذًا

**( 4 ) اعداد 13 تا 19 :** ( ثَلَاثَةٌ عَشَرَ - أَرْبَعَةٌ عَشَرَ - خَمْسَةٌ عَشَرَ - سِتَّةٌ عَشَرَ - سَبْعَةٌ عَشَرَ - ثَمَانِيَةٌ عَشَرَ - تِسْعَةٌ عَشَرَ ) ؛ معدودشان همواره « مفرد و منصوب » است . [ قسمت اول عدد ( قسمت دور به معدود )

از نظر جنس مخالف معدود و قسمت دوم ( قسمت نزدیک به معدود ) موافق جنس معدود می باشد . ]

و هر دو قسمت با حرکت « فتحه » می آیند . مثال :

سیزده کتاب : ثَلَاثَةٌ عَشَرَ كِتَابًا ؛ [ ثَلَاثَةٌ : قسمت دور به معدود و از جنس مخالف معدود / عَشْرٌ : قسمت

نزدیک به معدود و از نظر جنس موافق معدود . ]

هجده دانش آموز دختر : ثَمَانِيَةٌ عَشْرٌ تَلْمِيذَةٌ ؛ [ ثَمَانِيَةٌ : قسمت دور به معدود از نظر جنس ، مخالف

معدود / عَشْرَةٌ : قسمت نزدیک به معدود از نظر جنس ، موافق معدود . ]

(5) **عُقُود ، دهگان ها :** ( عِشْرُونَ - عِشْرِينَ 20 / ثَلَاثُونَ - ثَلَاثِينَ 30 / أَرْبَعُونَ - أَرْبَعِينَ 40 / خَمْسُونَ - خَمْسِينَ 50 و ... ) ؛

معدود این اعداد « مفرد » می باشد و عدد به دو شکل « وَنَ - يَنْ » دیده می شود . مثال :

1 - جاء عَشْرُونَ تَلْمِيذًا . 2- شاهدتُ عَشْرِينَ تَلْمِيذًا . 3- سَلَّمْتُ عَلَى عَشْرِينَ تَلْمِيذًا .

1 - حَضَرَتِ ثَلَاثُونَ طَالِبَةً فِي الصَّفِّ 2- شاهدتُ الْمُعَلِّمَةَ ثَلَاثِينَ طَالِبَةً فِي الصَّفِّ . 3- سَلَّمْتُ الْمُعَلِّمَةَ عَلَى ثَلَاثِينَ طَالِبَةً .

(6) **اعداد میان دهگان ها :** ( 21 تا 29 / 31 تا 39 / 41 تا 49 و ... 91 تا 99 ) ؛ { عدد یکان + و + عقود + معدود }

\* با این توضیح که اعداد 21 و 22 - 31 - 32 و 41 و 42 - .... 91 و 92 :

معدود همواره « مفرد و منصوب » می باشد و جزو اول عدد ( قسمت دور ) از نظر « جنس » موافق با معدود می باشد

مثال : 21 دانش آموز پسر در کلاس هستند : فِي الصَّفِّ وَاحِدٌ وَعَشْرُونَ تَلْمِيذًا .

22 دانش آموز دختر را دیدم : شاهدتُ اثْنَيْنِ وَعَشْرِينَ تَلْمِيذَةً .

\*\*\* و اعداد ؛ ( 23 تا 29 - 33 تا 39 - 43 تا 49 - ... 93 تا 99 ) :

معدود همواره « مفرد و منصوب » می باشد و جزو اول عدد ( قسمت دور ) از نظر « جنس » مخالف با

معدود می باشد و عُقُود ( جزو نزدیک به معدود ) معطوف به یکان می باشد . یعنی با توجه به نقش یکان ،

آن هم مرفوع ( با شکل « وَنَ » ) و یا منصوب و یا مجرور ( با شکل « يَنْ » ) می آید . مثال :

36 - خانة ؛ سِتَّةٌ وَثَلَاثُونَ بَيْتًا / سِتَّةٌ وَثَلَاثِينَ بَيْتًا - 69 روز ؛ تِسْعَةٌ وَسِتُّونَ يَوْمًا / تِسْعَةٌ وَسِتِّينَ يَوْمًا .

45 - درخت ؛ خَمْسٌ وَأَرْبَعُونَ شَجَرَةً / خَمْسٌ وَأَرْبَعِينَ شَجَرَةً

77 - شب ؛ سَبْعَةٌ وَسَبْعُونَ لَيْلًا / سَبْعَةٌ وَسَبْعِينَ لَيْلًا

عدد صد ( مِئَةٌ - مِائَةٌ ؛ 100 ) ؛ معدود این عدد « مفرد و مجرور » است . مثال :

- مِئَةٌ ( مِائَةٌ ) حَبَّةٌ - لَنَا مِئَةٌ ( مِائَةٌ ) تَلْمِيذَةٌ فِي مَدْرَسَتِنَا .

(8) اعداد ترتیبی برای بیان رتبه و جایگاه می آیند و معمولاً برای اسم قبل از خود « صفت » محسوب می شوند .

- الدَّرْسُ الثَّامِنُ - الصَّفْحَةُ السَّادِسُ - المَرَّةُ الثَّالِثَةُ - التَّمْرِينُ الخَامِسُ

الأعدادُ الترتیبیَّةُ (الأوَّلُ إلى العِشْرینَ)		الأعدادُ الأصلیَّةُ (واحدٌ إلى عِشْرینَ) اعداد اصلی از (1 تا 20)	
اعداد ترتیبی از (یکم تا بیستم)			
الْحَادِی عَشَرَ؛ ( یازدهم )	الأوَّلُ؛ ( یکم )	أَحَدَ عَشَرَ؛ ( یازده )	واحد؛ ( یک )
الثَّانِی عَشَرَ؛ ( دوازدهم )	الثَّانِی؛ ( دوم )	إِثْنَا عَشَرَ؛ ( دوازده )	إِثْنَانٍ؛ ( دو )
الثَّالِث عَشَرَ؛ ( سیزدهم )	الثَّالِث؛ ( سوم )	ثَلَاثَةَ عَشَرَ؛ ( سیزده )	ثَلَاثَةٌ؛ ( سه )
الرَّابِع عَشَرَ؛ ( چهاردهم )	الرَّابِع؛ ( چهارم )	أَرْبَعَةَ عَشَرَ؛ ( چهارده )	أَرْبَعَةٌ؛ ( چهار )
الخَامِس عَشَرَ؛ ( پانزدهم )	الخَامِس؛ ( پنجم )	خَمْسَةَ عَشَرَ؛ ( پانزده )	خَمْسَةٌ؛ ( پنج )
السَّادِس عَشَرَ؛ ( شانزدهم )	السَّادِس؛ ( ششم )	سِتَّةَ عَشَرَ؛ ( شانزده )	سِتَّةٌ؛ ( شش )
السَّابِع عَشَرَ؛ ( هفدهم )	السَّابِع؛ ( هفتم )	سَبْعَةَ عَشَرَ؛ ( هفده )	سَبْعَةٌ؛ ( هفت )
الثَّامِن عَشَرَ؛ ( هجدهم )	الثَّامِن؛ ( هشتم )	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ؛ ( هجده )	ثَمَانِيَةٌ؛ ( هشت )
التَّاسِع عَشَرَ؛ ( نوزدهم )	التَّاسِع؛ ( نهم )	تِسْعَةَ عَشَرَ؛ ( نوزده )	تِسْعَةٌ؛ ( نه )
العِشْرُونَ؛ ( بیستم )	العَاشِر؛ ( دهم )	عِشْرُونَ؛ ( بیست )	عَشْرَةٌ؛ ( ده )

اعداد 20 تا 90 را عقود می گویند

20	عِشْرِينَ / عِشْرُونَ؛ ( بیست )
30	ثَلَاثِينَ / ثَلَاثُونَ؛ ( سی )
40	أَرْبَعِينَ / أَرْبَعُونَ؛ ( چهل )
50	خَمْسِينَ / خَمْسُونَ؛ ( پنجاه )
60	سِتِّينَ / سِتُّونَ؛ ( شصت )
70	سَبْعِينَ / سَبْعُونَ؛ ( هفتاد )
80	ثَمَانِينَ / ثَمَانُونَ؛ ( هشتاد )
90	تِسْعِينَ / تِسْعُونَ؛ ( نود )

## فعل ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید

**ثلاثی مجرد:** در زبان عربی ریشه افعال سه حرف است و از این رو به آنان ثلاثی مجرد (3 حرف تنها) گفته میشود

فعل های مثل (تخرجون) که اولین صیغه ماضی آنها فقط سه حرف دارد و وزن های آن شنیدنی است (سماعی)

**ثلاثی مزید:** سه حرف اصلی و حرف زائد دارد یعنی فعلی که اولین صیغه ماضی آن بیشتر از سه حرف است

ثلاثی مزید است و همچنین وزن های مزید (قیاسی) است. یعنی براساس وزن مخصوصی است.

مثال از فعل ثلاثی مجرد:

ماضی	مضارع	مصدر
فَعَلَ	يَفْعَلُ	سَمَاعِي (شنیدنی)
خَرَجَ	يَخْرُجُ	خُرُوج (خارج شدن)
ذَهَبَ	يَذْهَبُ	ذَهَاب (رفتن)

## جدول افعال ثلاثی مزید

### باب افعال

ماضی	مضارع	امر	مصدر
أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَال
أَجْلَسَ	يُجْلِسُ	أَجْلِسْ	إِجْلَاس
نشانده	می نشاند	بنشان	نشانده

← إجبار - إرسال - إجلاس - إحسان - إدخال

### باب افعال

ماضی	مضارع	امر	مصدر
اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَالٌ
اِشْتَعَلَ	يَشْتَعِلُ	اِشْتَعِلْ	اِشْتِعَالٌ
کارکرد	کار می کند	کارکن	کار کردن

اِبْتِسَامٌ - اِنْتِشَارٌ - اِحْتِرَاقٌ - اِحْتِرَاقٌ - اِنْتِخَابٌ - اِحْتِهَادٌ

### باب انفعال

ماضی	مضارع	امر	مصدر
اِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعَالٌ
اِنْقَطَعَ	يَنْقَطِعُ	اِنْقَطِعْ	اِنْقِطَاعٌ
بریده شد	بریده می شود	بریده شو	بریده شدن

اِنْقِلَابٌ - اِنْفِتَاحٌ - اِنْبِعَاثٌ - اِنْبِسَاطٌ - اِنْقِبَاضٌ

### باب استفعال

ماضی	مضارع	امر	مصدر
اِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعِلْ	اِسْتِفْعَالٌ
اِسْتَرَجَعَ	يَسْتَرْجِعُ	اِسْتَرْجِعْ	اِسْتِرْجَاعٌ
پس گرفت	پس کی گیرد	پس بگیر	پس گرفتن

اِسْتِخْدَامٌ - اِسْتِكْبَارٌ - اِسْتِضْعَافٌ - اِسْتِخْرَاجٌ - اِسْتِبْدَادٌ

### باب تفعیل

مصدر	امر	مضارع	ماضی
تفعیل	فَعِّلْ	يُفَعِّلُ	فَعَّلَ
تعلیم	عَلِّمْ	يُعَلِّمُ	عَلَّمَ
یاددادن	یادبده	یادمی دهد	یادداد

← تعلیم - تقدیم - تشریف - تقدیر - تحسین - تنظیم

### باب مُفَاعَلَه

مصدر	امر	مضارع	ماضی
مُفَاعَلَه	فَاعِلْ	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ
مُجَالَسَه	جَالِسْ	يُجَالِسُ	جَالَسَ
همنشینی کردن	همنشینی کن	همنشینی می کند	همنشینی کرد

← مُجَاهِدَه - مُسَافِرَه - مُدَافِعَه  
مُسَاعِدَه - مُنَاسِبَه - مُكَاتِبَه

### باب تَفَعُّل

مصدر	امر	مضارع	ماضی
تَفَعُّل	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ
تَخَرُّج	تَخَرَّجْ	يَتَخَرَّجُ	تَخَرَّجَ
دانش آموخته شدن	دانش آموخته شو	دانش آموخته می شود	دانش آموخته شد

← تَقَدُّم - تَعَلُّم - تَقَدُّس  
تَشَكُّر - تَصَوُّر - تَكَلُّم - تَنْزِل

باب تَفَاعُل

ماضی	مضارع	امر	مصدر
تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ
تَعَامَلَ	يَتَعَامَلُ	تَعَامَلْ	تَعَامُلٌ
دادوستد کرد	دادوستد می کند	دادوستد کن	دادوستد کردن

تَنَاسُبٌ - تَفَاخُرٌ - تَبَادُلٌ - تَشَابُهٌ

تَعَارُفٌ - تَعَايُشٌ - تَفَاهُمٌ - تَعَامُلٌ

\*\*\* نکات مهم فعل های ثلاثی مزید \*\*\*

\*\*\* ملاک تعیین تعداد حروف زائد در این باب ها اولین صیغه ماضی از فعل مورد نظرشان است .

تشخیص حروف زائد در باب های مزید

\*\*\* به سه باب ( افعال - تفعیل - مفاعله ) بزاید حرف واحد : یک حرف زائد

اِفعال (أَفْعَلٌ) \* تَفْعِيلٌ (فَعَّلَ) \* مُفَاعَلَةٌ (فَاعَلَ)

\*\*\* به چهار باب ( تَفْعَلٌ - تَفَاعُلٌ - اِفْتِعَالٌ - اِنْفِعَالٌ ) بزاید حرفین : دو حرف زائد

اِفْتِعَالٌ (اِفْتَعَلَ) \* اِنْفِعَالٌ (اِنْفَعَلَ) \* تَفْعَلٌ (تَفَعَّلَ) \* تَفَاعُلٌ (تَفَاعَلَ)

\*\*\* باب ( استفعال ) بزاید ثلاثه حروف گفته می شود : سه حرف زائد اِسْتِفْعَالٌ (اِسْتَفْعَلَ)

مثال 1: تُجَاهِدِينَ = ماضی ( جاهد ) یک حرف زائد دارد و آن حرف الف است .

مثال 2: يَتَعَلَّمُونَ تَعَلَّمَ ( دو حرف زائد دارد ت/ل )

نکته مهم: حروف مضارعه ( ا - ت - ی - ن ) و ضمایر متصل ( ا - و - ن - ت - ما - ت - تما - تن - ت - نا ) و

نشانه ی مثنی ( ان - ین ) و جمع ( ون - ین ) جز حروف زائد محسوب نمیشوند

مثال: یذهبون (ذهب): ثلاثی مجرد بدون حرف زائد / تجاهدون (جاهد): ثلاثی مزید الف حرف زائی



\*\*\* یکی از دلایل آموختن فعل های ثلاثی مزید یادگیری معانی متعددی از فعل ها می باشد. مثال

قَتَلَ = کشت / قَاتَلَ = جنگید

لَقِيَ = ملاقات کرد / أَلْقَى = انداخت

\*\*\* نکته مهم در تشخیص مضارع باب افعال از فعل مضارع ثلاثی مجرد این است که علامت حرف مضارع (ا-ت-

ی-ن) در ثلاثی مجرد فتحه - است ولی در فعل مضارع ثلاثی مزید ضمه - است

خَرَجَ ← یُخْرِجُ (مضارع ثلاثی مجرد) خارج می شود

أَخْرَجَ ← یُخْرِجُ (مضارع ثلاثی مزید) خارج می کند.

\*\*\* نکته مهم: در همه باب ها حرکت عین الفعل در ماضی شان فتحه - و در فعل امر شان کسره - می باشد به

غیر از 2 بابی که با حرف ت شروع می شوند. آنزَلُوا ← 3 ماضی للغائبون \* آنزِلُوا ← 9 امر للمخاطبون

یا ایهاالذین آمنوا، آمنوا (ای کسانی که ایمان آوردید، ایمان بیاورید)

اما دو بابی که با حرف ت شروع می شوند (تَفَعَّلَ / تَفَاعَلَ) دقیقاً حرکت عین الفعلشان در ماضی و امر یکسان است.

تَعَلَّمُوا (3 ماضی) ← تَعَلَّمُوا (9 امر) تَبَادَلْنَا (6 ماضی) ← تَبَادَلْنَا (12 امر)

توجه کنید در صورت مشترک بودن فعل ماضی و امر باید از طریق سیاق و ظاهر جمله (ضمایر موجود و همچنین غایب

و مخاطب ..... ) جمله را باید متوجه بشیم که فعل ماضی است یا امر مخاطب

\*\*\* اگر علامت ( ) در وسط مضارعی باشد و حرف دوم آن (ت) باشد باب تَفَعَّلَ است اگر نباشد تَفَعَّلَ است

قَدَّمَ      يُقَدِّمُ      تقدیم

تَصَوَّرَ      يَتَصَوَّرُ      تصور

\*\*\* اگر در فعلی (ن یا ت) باشد باب افتعال (ینتصر) است و در صورتی که نباشد انفعال (ینصر) است.

اگر در فعلی (ست) باشد و تعداد حروف آن 5 حرفی باشد باب افتعال است. اِسْتَمَعَ

اگر در فعلی (ست) باشد و تعداد حروف آن 6 حرفی باشد باب استفعال است. اِسْتَخَدَمَ

راه تشخیص بین باب افتعال و انفعال ؟

اگر حرف سوم **ت** باشد حتما باب افتعال است در غیر این صورت باب انفعال

نکته: ضمایر متصل به فعل را از آخر فعل حذف کنید تا مجرد از مزید مشخص شود

ضمایر فاعلی (ا - وا - ت - ما - تم - تن - ن - ساکن + نا - ی - عرفا - ذهبن)

ضمایر مفعولی (ه - هما - هم - ها - هما - هن - ک - کما - کم - ک - کما - کن - عرفه - یعرفنا)

مثال: **يُجَاهِدُونَ** (يُجَاهِد) برون يُفَاعِل

مُفَاعِلُهُ	يُفَاعِلُ	فَاعِلٌ
مُجَاهِدُهُ	يُجَاهِدُ	جَاهِدٌ

\*\*\*\*\*

صرف باب تفعیل :

ماضی : عِلِمَ / عَلِمَا / عَلِمُوا / عَلِمْتَ / عَلِمْنَا / عَلِمْتُمْ

عَلِمْتُمْ / عَلِمْتُمْ / عَلِمْتُمْ / عَلِمْتُمْ / عَلِمْتُمْ / عَلِمْتُمْ

مضارع : يُعَلِّمُ / يُعَلِّمَانِ / يُعَلِّمُونَ / يُعَلِّمُ / يُعَلِّمَانِ / يُعَلِّمُونَ

تُعَلِّمُ / تُعَلِّمَانِ / تُعَلِّمُونَ / تُعَلِّمَانِ / تُعَلِّمُونَ / تُعَلِّمُونَ

امر : عِلِّمْ / عِلِّمَا / عِلِّمُوا / عِلِّمِي / عِلِّمِي / عِلِّمِي

نهی : لَا تُعَلِّمُ / لَا تُعَلِّمَانِ / لَا تُعَلِّمُونَ / لَا تُعَلِّمِي / لَا تُعَلِّمَانِ / لَا تُعَلِّمُونَ

ترجمه فعل هایی که 3 حرف اصلی مشترک در مجرد و مزید دارند ولی معنای متفاوت

ثلاثی مجرد	ثلاثی مزید
یسمع ( می شنود )	یستمع ( گوش می دهد )
یصدق ( راست می گوید )	یُصَدِّقُ ( باور می کند ) / یصادق ( دوستی می کند )
خرج ( خارج شد )	أَخْرَجَ ( خارج کرد ) / تَخَرَّجَ ( فارغ التحصیل )
عَلِمَ ( دانست )	عَلَّمَ ( یاد داد )
یجری ( جاری می شود )	یُجْرَى ( جاری می کند )
یجمع ( جمع می کند )	یَجْتَمِعُ ( جمع می شود )
یکتُبُ ( می نویسد )	یکاتب ( نامه نگاری می کند )
یدفع ( دفع می کند )	یدافع ( دفاع می کند )
یقُتِلُ ( می کشد )	یقَاتِلُ ( می جنگد )
یقبل ( قبول می کند )	یُقْبَلُ ( روی می آورد ) / یتقبَّلُ ( می پذیرد )
جاء ( آمد )	جاء ب ( آورد )
قام ( برخاست )	قام ب ( اقدام کرد )
یجلس ( می نشیند )	یُجَلِسُ ( می نشاند ) / یجالِسُ ( همنشینی می کند )
یعود ( برمی گردد )	یتعوَّدُ ( عادت می کند ) / یعوِّدُ ( عادت می دهد )
یصل ( می رسد )	یُوصِلُ ( می رساند ) / یوَصِّلُ ( ادامه می دهد )
یعرف ( می شناسد )	تِیَعْرِفُ ( آشنا می شود ) / یُعْرِفُ ( معرفی می کند )
یُقدِّمُ ( تقدیم می کند )	یتقدَّمُ ( پیشرفت می کند )
یذکر ( یاد می کند )	یتذکَّرُ ( به یاد می آورد )
یحدث ( اتفاق می افتد )	یُحْدِثُ ( احداث می کند ) / یحدِّثُ ( سخن می گوید )
یغیِّرُ ( تغییر می کند )	تِیغیِّرُ ( تغییر می کند )
یعلم ( می داند )	یُعَلِّمُ ( یاد می دهد ) / یتعلَّمُ ( یاد می گیرد )
یزید ( زیاد می کند )	یزداد ( زیاد می شود )
یفخر ( فخر فروشی می کند )	یفتخر ( افتخار می کند ) / یتفاخرُ ( فخرفروشی می کند )

## جمله اسمیه و جمله فعلیه

جمله در زبان عربی به دو شکل دیده می شود: الف - جمله اسمیه      ب - جمله فعلیه

**الف) جمله اسمیه:** به جمله ای که با هر نوع اسمی شروع می شود (ضمیر - اسم اشاره - شرط - استفهام...) جمله اسمیه گفته می شود (همان نهاد و گزاره در فارسی است) و دو رکن مهم دارد  
**مبتدا:** اسمی است که در ابتدای جمله می آید و اعراب آن "مرفوع" است و نیاز به توضیح دارد.  
**خبر:** کلمه یا عبارتی است که غالباً بعد از مبتدا می آید و یا با فاصله می آید و در مورد مبتدا توضیح داده و در نهایت معنای جمله را کامل می کند و اعراب آن هم مرفوع است.

مبتدا می تواند یک اسم عام یا خاص، ضمیر، اشاره و ... باشد. مثال:

* <u>الطالب</u> ناجح	* <u>هو</u> يعلم الدروس	* <u>هذا</u> التلميذ في المدرسة
مبتدا	مبتدا	مبتدا

در مثال های بالا ناجح، يعلم، فی المدرسة خبر محسوب می شوند.

انواع خبر در جمله اسمیه:

(1) **خبر مفرد:** یک اسم که معنای مبتدا و در نهایت جمله را کامل می کند. این اسم می تواند (مفرد / مثنی / جمع) مذکریا مؤنث باشد.

(2) **خبر از نوع جمله فعلیه:** اگر بعد از مبتدا یک فعل بیاید؛ مانند علی یذهب

مبتدا      خبر

(3) **خبر از نوع جمله اسمیه:** اگر بعد از مبتدا یک اسم بیاید؛ مانند: اللسان جرمه صغیر

مبتدا      خبر

(4) **خبر از نوع شبه:** الطالب فی المدرسة

خبر (جار و مجرور)

**(ب) جمله فعلیه:** جمله ای است که با فعل شروع می شود و دارای 2 رکن مهم فعل و فاعل است .

جایگاه فاعل در زبان عربی همیشه بعد از فعل است و هیچ گاه فاعل قبل از فعل نمی آید و علامت آن در

مفرد ( یکتب علی ) ،

مثنی ان ( یکتب المعلمان ) ،

جمع ون ( یکتبون المعلمون ) می باشد .

### انواع فاعل در زبان عربی

**1- اسم ظاهر:** به اسمی که همواره بعد از فعل به عنوان انجام دهنده کار به صورت ظاهری دیده می شود فاعل از نوع اسم ظاهر گفته میشود.

**2- ضمیر بارز:** آشکار (همان شناسه ها یا علامتهای موجود در فعل هاست که در صرف صیغه های افعال دیده می شود. در فعل ماضی جز صیغه های 1 و 4 و در فعل مضارع جز صیغه های 14-13-7-4-1 بقیه صیغه ها بارز هستند.

**3- ضمیر مستتر:** (پنهان) صیغه های 1 و 4 در همه افعال ماضی و مضارع به شرطی که فاعلشان اسم ظاهر نباشد، فاعل از نوع ضمیر مستتر خواهد بود.

نکته مهم: لازم به ذکر است که در این صیغه ها اولویت نوع فاعل با اسم ظاهر است.

و در صورت عدم وجود فاعل از نوع اسم ظاهر، فاعل (مستتر) می باشد. مثال:

الطالب کتب      یکتبُ الدرس : فاعل ضمیر مستتر هو

الطالبة کتبت      تکتبُ الدرس : فاعل ضمیر مستتر هی

در صیغه های 1-4-7-13-14 مضارع قطعا فاعل از نوع مستتر می باشد.

ایها الطلاب تجتهد فی درسک      اکتبُ دروسی فی المدرسه

فعل و فاعله أنت مستتر      فعل و فاعله ضمیر مستتر انا

**نکته:** هرگاه فاعل جمله از نوع اسم ظاهر باشد فعل جمله به صورت مفرد می آید که در این حالت فقط جمله از نظر جنس با فاعل خود مطابقت دارد در 6 صیغه غایب ماضی و مضارع اگر فاعل جمله از نوع اسم ظاهر باشد فعل اول جمله باید مفرد بیاید. مثال:

- |                              |                                |
|------------------------------|--------------------------------|
| 1- اجتهد الطالب فی دروسه     | 4- اجتهدت الطالبة فی دروسها    |
| 2- اجتهد الطالبان فی دروسهما | 5- اجتهدت الطالبتان فی دروسهما |
| 3- اجتهد الطالب فی دروسهم    | 6- اجتهدت الطالبات فی دروسهن   |

**مفعول (مفعول به):** در جملاتی که فعل آنها متعدی است گذرا یک اسم منصوب که معمولاً بعد از فاعل می آید و انجام کار توسط فاعل بر روی آن واقع می شود.

منصوب در مفرد: **ـَ ـِ** مثال (رایتِ معلماً / رایتِ المعلمِ)

مفعول

مفعول

منصوب در مثنی: **ینِ** مثال (رایتِ المعلمینِ)

مفعول

منصوب جمع: **ینَ** مثال (رایتِ المعلمینَ)

مفعول

لازم به ذکر است یکی از راههای بدست آوردن مفعول در جمله مطرح کردن دو سوال: چه کسی را؟ و چه چیزی را؟ می باشد. مثال:

کتب الطالب التمارینَ فی البیتِ چه چیزی را نوشت؟ تمارین را

مفعول و منصوب

شاهد المعلمُ تلامیذَهُ فی الصفِ چه کسانی را مشاهده کرد؟ دانش آموزان را

مفعول و منصوب

## انواع مفعول در زبان عربی

1- **اسم ظاهر** : به هر اسمی غیر از ضمیر، مفعول از نوع اسم ظاهر گفته می شود.

کَتَبَ عَلِيٌّ دَرَسَهُ

مفعول اسم ظاهر

2- **ضمیر** : اگر ضمایر متصل ( ه هما هم ها هما هن كَ كما کم كِ كما کُنْ ی نا ) به آخر فعل ها وصل شود

این ضمایر مفعول هستند. مانند: جَعَلَهُ: قرارداد آن را

1- **فعل**: کلمه ای است که انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی را در زمان مشخص به ما نشان می دهد.

2- **فاعل**: کلمه ای که انجام دهنده و کننده کار است و برای یافتن آن در جمله باید از دو سوال چه کسی؟ و چه چیزی؟ استفاده شود

جایگاه فاعل همواره بعد از فعل بوده و ممکن است بلافاصله بعد از فعل بیاید و گاهی هم بافاصله از فعل می آید.

**نکته مهم**: فاعل هیچ گاه قبل از فعل نمی آید و فعل بدون فاعل وجود ندارد و به تعداد فعل در متن فاعل هم وجود دارد.

## اِعراب

**اِعراب** : به حرکت آخر کلمه می گویند . و با توجه به جایگاه و نقش کلمه در جمله متغیر است .

– منصوب      – مجرور      – مرفوع

اِعراب مبتدا و خبر – مرفوع است .

**مفرد** – ( یکتب علی ) **علی** خبر و مرفوع است . و کلمه مفرد است علامت مرفوع – گرفته است  
**مثنی** ان ( یکتب المعلمان ) **المعلمان** خبر و مرفوع است و به علت مثنی بودن علامت **ان** گرفته است .  
**جمع** ون ( یکتبون المعلمون ) **المعلمون** خبر و مرفوع است و به علت جمع بودن علامت **ون** گرفته است .

در اسم های مفرد – نشانه **منصوب** است المعلم / معلماً  
**اِعراب اسم منصوب** در اسم های مثنی (مذکر) **ین** و در مثنی ( مؤنث ) **تین** نشانه **منصوب** است  
 در اسم های جمع مذکر **ین** و جمع مؤنث **ات** نشانه **منصوب** است

در اسم های مفرد – نشانه **مجرور** است المعلم / معلم  
**اِعراب اسم مجرور** در اسم های مثنی (مذکر) **ین** و در مثنی ( مؤنث ) **تین** نشانه **مجرور** است  
 در اسم های جمع مذکر **ین** و جمع مؤنث **ات** نشانه **مجرور** است

در اسم های مفرد – نشانه **مرفوع** است المعلم / معلماً  
**اِعراب اسم مرفوع** در اسم های مثنی (مذکر) **ان** و در مثنی ( مؤنث ) **تان** نشانه **مرفوع** است  
 در اسم های جمع مذکر **ون** و جمع مؤنث **ات** نشانه **مرفوع** است



## فعل مجهول

فعل ها از نظر مشخص بودن و معلوم بودن فاعل به 2 دسته تقسیم میشوند

(1) فعل معلوم (2) فعل مجهول

### فعل معلوم (مبنی للمعلوم) :

فعلی است که فاعل آن مشخص بوده و تکیه فعل بر فاعل است کتب الطالب و اجیاته دانش آموز تکالیفش را نوشت

### فعل معلوم

(2) **فعل مجهول (مبنی المجهول):** فعلی است که فاعل آن مشخص نباشد و انجام کار به نایب فاعل که قبلا همون مفعول جمله بوده نسبت داده شده است.

کتب تمرینه : تمرینش نوشته شد . (فاعل و انجام دهنده ای وجود ندارد)

### فعل مجهول

## طریقه مجهول کردن فعل ماضی

الف) عین الفعل کسره - می دهیم

ب) تمام حروف متحرک قبل از عین الفعل را ضمه - می دهیم

کَتَبَ ← کُتِبَ      قَتَلَ ← قُتِلَ      اسْتَحْدَمَ ← اُسْتُحْدِمَ

نوشت نوشته شد      کشت کشته شد      به خدمت گرفت به کار گرفته شد

## طریقه مجهول کردن فعل مضارع

الف) عین الفعل را فتحه - می دهیم

ب) فقط حرکت حروف مضارع (اتین) را به ضمه - تبدیل میکنیم

يُقْتَلُ (می کشد) ← يُقْتَلُ (کشته می شود)      يَكْتُبُ (می نویسد) ← يُكْتَبُ (نوشته می شود)

**نکته مهم** => فعلی که مجهول شده در ترجمه ماضی آن از هر کلمه **شد** و در ترجمه مضارع از کلمه **می شود** استفاده کنیم. مثال طُرِقَ بابُ الصَّف : در کلاس **زده شد**

**نکته** => هرگاه یک فعل ماضی با حرکت **ـُ** شروع میشود قطعا آن فعل **مجهول** است ولی در فعل های مضارع باید به عین الفعل فعل دقت کنیم اگر عین الفعل کسره - باشد فعل مضارع است ولی اگر عین الفعل فتحه - باشد مجهول مضارع است. **يُعَلِّمُ** (مضارع فعل معلوم ثلاثی مزید) **يُكْرَمُ** (مجهول ثلاثی مزید)

## جارو مجرور - نون وقایه

در زبان فارسی به حروفی از قبیل (از - به - برای - در ..... ) حروف اضافه گفته می شود و به اسمی که بعد از آن می آید

متمم می گویند: از معلم ها

حرف اضافه      متمم

**حروف جر + اسم مجرور - -**

در زبان عربی این حروف « حروف جر » نامیده می شوند .

السلام **علیکم** ( ضمیر گم مجرور به حرف جر ) کلمه **علیکم** ( جارو مجرور )

بِ - كَ - لِ - وَ - رُبَّ - مِّن - فِی - عَن - عَلِی - حَتَّى - اِلِی

علت نامیدن حروف جر این است که این حروف انتهای اسم بعد از خود را مجرور می کند

علامت های جر در اسم های مفرد با ال - بدون ال - \* در اسم های مثنی **ین** \* در اسم های جمع **ین**

مِن المدرسه - رَبِّ كَلَامٍ - اللهُ - كَالْجِبَالِ

## معانی حروف جر

حرف جر **مِن** ← به معنای **از** رجعتُ **مِن** المدرسه مساءً ( عصر از مدرسه برگشتم )

حرف جر **فِی** ← به معنای **در** النَّجَاهِ فِی الصَّدَقِ ( رهایی در راستگویی است )

حرف جر **اِلِی** ← به معنای **به** / **به سوی** / **تا** وَصَلْتُ اِلِی الْبَيْتِ ( به خانه رسیدم )

حرف جر **عَلِی** ← به معنای **بر** / **روی** / **برضد** / **واجب است** / **باید**

**علیکم** بالشکر ( شما باید شکر کنید ) السلام **علیک** ( سلام بر تو )

الدهر یومان یوم لک ویوم **علیک** ( روزگار دوروز است روزی به سود تو و روزی به ضررتو )

حرف جر **بِ** ← به معنای **به** / **به وسیله** / **با** نَحْنُ نَذْهَبُ بِالْحَافِلِهِ ( ما با تو بوس می رویم )

حرف جر **لِ** ← به معنای **برای** / **مال** / **دارد** لَهْ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ ( فرمانروایی آسمان ها و زمین برای اوست )

**لِكُلِّ** ذَنْبٍ تَوْبَةٌ اِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ ( هر گناهی توبه ای دارد جز بد اخلاقی )

حرف جر **عَن** ← به معنای **از** / **درباره**

الجنود یُدَافِعُونَ عَن وَطَنِهِمُ الْاِسْلَامِ ( سربازان از وطن اسلامی خود دفاع می کنند )

حرف جر **ك** ← به معنای **مانند** / **همچون** الْعِلْمُ بِالْعَمَلِ كَالشَّجْرِ بِالْأَثْمَرِ ( دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است )

## نکات حروف جر

\* دو عبارت **مِن** مخفف (مِن + مَن) از چه کسی و **مِمَّا** مخفف (مِن + ما) از چه چیزی می باشد.

حتى تُنفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ( تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید )

\* هرگاه حرف جر **ل** در ابتدای جمله به همراه اسم یا ضمیری بیاید به معنای داشتن به کار می رود

لفاطمه (س) فضایل کثیره ← حضرت فاطمه (س) فضائل زیادی دارد . لی کتابٌ = کتابی دارم

\* هرگاه حرف جر **ل** به ضمیر متصل شود به صورت **لَ** به کار می رود به غیر از ضمیر **ی**

لَنَا اعمالنا و لَكُمْ اعمالکم ← اعمال ما برای خودمان و اعمال شما هم برای خودتان

\* حرف جر **علی** هر زمان به همراه ضمیر یا یک اسم در ابتدای جمله آمده باشد معمولاً بیانگر اجبار بوده و به صورت ( باید / واجب است / لازم است ) ترجمه می شود .

علی الطالب آن یجتهد فی دروسه ( دانش آموز باید در دروسهایش تلاش کند )

علینا السعی فی حیاتنا ( ما باید در زندگیمان تلاش کنیم )

## ن (نون) وقایه

هر فعل متعدی (ماضی - مضارع - امر) در هر صیغه ای اگر به ضمیر متکلم (ی) متصل شود مابین فعل و ضمیر **نون** وقایه می آید

إجعل + ی = إجعلنی ( قرار بده مرا )

یعرّف + ی = یعرّفنی ( مرا می شناسد )

لا تعبدوا + ی = لا تعبدونی ( مرا نپرستید )

### اسم مشتق

اسم در زبان عربی به دودسته تقسیم می شود (1 جامد (2 مشتق

**اسم جامد:** اسمی که ریشه فعلی ندارد و از فعل ساخته نشده است مثل صف - جدار

**اسم مشتق:** اسمی که ریشه فعلی دارد و از فعل ساخته شده است. مثل احمد - حامد - حمید - محمد - محمود

که همگی از سه حرف اصلی (ح - م - د) گرفته شده اند پس همگی مشتق هستند.

برای تشخیص اسم جامد از اسم مشتق باید انواع مشتق را یاد بگیریم.

1- اسم فاعل 2- اسم مفعول 3- اسم مبالغه 4- اسم تفضیل 5- اسم مکان

امسال با 3 مشتق 1- اسم فاعل 2- اسم مفعول 3- اسم مبالغه آشنا می شویم و

انشالله در سال آینده با 2 مشتق 4- اسم تفضیل 5- اسم مکان آشنا خواهیم شد.

1- اسم فاعل: همان صفت فاعلی در زبان فارسی است که معنای انجام دهنده کار را نشان می دهد. شنونده - معلم

در زبان عربی به صفت فاعلی (اسم فاعل) گفته می شود که به 2 روش زیر ساخته می شود.

1- اسم فاعل از ثلاثی مجرد: ریشه فعل بر وزن فاعل می نویسیم

اسم فاعل ← یَشکر (ش ک ر) ← شاکِر ← یَنصر (ن ص ر) ← ناصِر

م - - - -

1- اسم فاعل از ثلاثی مزید: فرمول

1- به جای حرف مضارعه م و حرف ماقبل آخر (حرف عین الفعل) - می دهیم

یُحسِنُ ← مُحسِن ← یُعَلِّمُ ← مُعَلِّم ← یُجاهِدُ ← مُجاهِد

اسم هایی مثل مبین - معین - مُرید - مُقیم (اسم فاعل از ثلاثی مزید) هستند

**اسم مفعول** : همان صفت مفعولی در زبان فارسی است که معنای کاری روی آن انجام می شود را نشان می دهد  
دیده شده - خوانده شده

در زبان عربی به صفت مفعولی (اسم مفعول) گفته می شود که به 2 روش زیر ساخته می شود.

1- **اسم مفعول از ثلاثی مجرد** : ریشه فعل برون مفعول می نویسیم

اسم مفعول ← بیشکر (ش ک ر) ← مشکور ← ینصر (ن ص ر) ← منصور

1- **اسم مفعول از ثلاثی مزید**: فرمول **مُ - - - م**

1- به جای حرف مضارعه مُ و حرف ماقبل آخر (حرف عین الفعل) فتحه - می دهیم

یُقَدِّس ← مُقَدِّس ← یُرْتَّب ← مُرْتَّب

**اسم مبالغه**

اسمی است که بر بسیاری صفتی در فردی یا چیزی یا جایی دلالت می کند.

مهمترین وزن های اسم مبالغه (**فَعَال - فَعَّال**) می باشد.

رِزَّاق - خَلَّاق - مَنَّان - غَفَّار - صَبَّار - فَتَّاح - كَذَّاب - عَلَّام - تَوَّاب

عَلَّامه - فَهَّامه - كَفَّاره - اَمَّاره - لَوَّامه

**نکته مهم** : در ترجمه اسم های مبالغه از کلمه (بسیار) استفاده می شود.

صَبَّار ← بسیار صبر کننده ← غَفَّار ← بسیار آمرزنده

**نکته**: وزن های (**فَعَال - فَعَّال**) که بر شغل و یا ابزار و وسایل و دستگاه دلالت کند نیز اسم مبالغه به شمار می رود.

**شغل** : خَبَّاز - بَزَّاز - نَجَّار - عَطَّار

**ابزار و وسیله** : سَيَّاره - فَتَّاحه (در باز کن) - نَظَّاره (عینک) - جَوَّال (تلفن همراه) و.....

**نکته مهم** : حرف تایی گرد در وزن فَعَّال نشانه مونث بودن اسم محسوب نمی شود به آن تایی کثرت) گفته می شود

هذا الرجل علَّامه